

بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به شهروندی اجتماعی فعال (مورد مطالعه: استان یزد)

سعید وصالی* ، سید محسن موسوی**

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۸ تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۲۵

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی ابعاد شهروندی اجتماعی فعال و عوامل مؤثر بر آن در بین شهروندان هیجده سال و بالاتر استان یزد است. این پژوهش با روش پیمایش مقطعی انجام شد و داده‌های آن با ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شده است. حجم نمونه برابر ۶۵۰ نفر برآورد شده و شیوه نمونه‌گیری، چندمرحله‌ای بوده؛ به‌طوری‌که پس از رعایت مراحل نمونه‌گیری، از چهار شهرستان یزد، تفت، بافق و بهاباد و از هر شهرستان یک شهر و دو روستا متناسب با حجم جمعیت هر کدام، افراد نمونه تخصیص یافتند. براساس نتایج حاصل از پیمایش، میانگین نمره شاخص گرایش به شهروندی اجتماعی فعال

* استادیار و عضو هیأت علمی گروه رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

** دانشجوی دکتری رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی و مدرس دانشگاه یزد. نویسنده مسئول.

mohsenmay@gmail.com

بر حسب طیف ۱ تا ۵ قسمتی برابر ۳/۴۵ است که از حد وسط طیف، کمی بالاتر است. میانگین نمرات گرایش به شهروندی اجتماعی فعال در بین زنان نسبت به مردان به‌طور معناداری بالاتر است و با افزایش سطح تحصیلات، میزان گرایش به شهروندی اجتماعی فعال نیز افزایش می‌یابد. نتایج رگرسیون خطی ساده، تأثیر مثبت عوامل نگرش به نظام سیاسی، برخورداری از حقوق شهروندی، اعتماد اجتماعی، احساس امنیت اقتصادی، احساس اثربخشی اجتماعی را جداگانه بر میزان گرایش به شهروندی اجتماعی فعال مورد تأیید قرار داد اما چنانچه همه متغیرهای مستقل تحقیق وارد تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام شوند، نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای اعتماد اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، میزان تحصیلات و جنس در گام نهایی، صلاحیت حضور در مدل را پیدا می‌کنند. این چهار متغیر در مجموع ۲۳ درصد از تغییرات گرایش به شهروندی اجتماعی فعال را تبیین می‌کنند. همچنین براساس نتایج به‌دست آمده، متغیرهای نگرش به نظام سیاسی و برخورداری از حقوق شهروندی با حضور متغیرهای دیگر موجود در مدل، اثر خالص و معنادار خود را از دست می‌دهند اما اثرگذاری غیرمستقیم آنها نسبتاً بالاست.

مفاهیم کلیدی: شهروندی اجتماعی، شهروندی اجتماعی فعال، نگرش به نظام سیاسی، مشارکت اجتماعی، ارزش‌های شهروندی

مسئله پژوهش

شهروندی اجتماعی^۱ امروزه، حجم وسیعی از ادبیات معاصر در حوزه مطالعات شهروندی را به خود اختصاص داده و مروری بر این ادبیات نشان می‌دهد جریان کلی آن، از سمت شهروندی منفعل دریافت کننده به شهروندی فعال مسئولیت پذیر و مشارکتی بوده است (Dwyer, 2010). لذا در دهه‌های اخیر بر سر «حقوق اجتماعی» شهروندی که دولت رفاه نماینده و فراهم‌کننده آن است، مفهوم شهروندی با تغییر

موضع از سمت حقوق به تکالیف هم در سطح نظر و ایدئولوژی و هم در سطح عمل و سیاست‌گذاری و با پذیرفتن صفت‌هایی از قبیل: فعال، خوب، حساس، مسئول، آگاه و مشارکت‌جو به آرمانی زنده و ملموس در دوران معاصر همراه شده است (رایلی، ۱۳۸۸؛ Turner and Hamilton, 1994؛ Dwyer, 2010؛ Powell, 2009). پاول (۲۰۰۹) استدلال می‌کند که شهروندی تحصیل‌کردنی است و بنابراین امکان از دست رفتن آن وجود دارد. لذا در صورتی که شهروندان در ایفای تکالیف اجتماعی و مدنی خود کوشا نباشند، شهروندی به معنای واقعی تحقق نخواهد یافت. فالکس (۱۳۸۱) نیز تحقق شهروندی را مستلزم نوعی اخلاق مشارکت می‌داند. امروزه عمل آگاهانه و حضور فعال و همه‌جانبه افراد در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین ضرورت در مسیر نیل به توسعه یاد می‌شود. چرا که گسترش مشارکت و شهروندی فعال، باعث افزایش پاسخگویی و پویایی نهادهای اجتماعی می‌شود و شرط اصلی توسعه را که همانا استقرار نهادهای کارآمد است، فراهم می‌سازد. گفته می‌شود که دولت نقش تعیین‌کننده‌ای در گرایش به شهروندی فعال دارد، اما این رابطه در جهت عکس آن نیز مصداق دارد؛ ارتقای شهروندی فعال، میزان بی‌اعتمادی و تردید نسبت به دولت را از آن رو که مشوق توانمندی، روشنگری و موجد فرصت‌هایی برای تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری‌های سیاسی به‌صورتی مشورتی است، کاهش می‌دهد.

در ایران اما، شواهد متعددی مبنی بر ضعف نسبی شهروندی به‌خصوص در زمینه مسئولیت‌پذیری و مشارکت شهروندان در چند و چون دریافت حقوق شهروندی وجود دارد (شیانی، ۱۳۸۲؛ یوسفی و عظیمی‌هاشمی، ۱۳۸۷؛ غیاثوند، ۱۳۹۰). شکل‌گیری و گسترش شهروندی ناقص، از بالا به پایین و منفعل (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳)، مشارکت اجتماعی اندک شهروندان به‌خصوص در عرصه‌های رسمی و عمومی (موسوی، ۱۳۹۱؛ یزدان‌پناه، ۱۳۸۶)، مشارکت سیاسی حداقلی (به معنای صرفاً رأی دادن) و اکتفا به آن (جلائی‌پور، ۱۳۹۲)، بالا بودن سطح بی‌تفاوتی اجتماعی، فردگرایی خودمدارانه و نداشتن التزام مدنی (محسنی‌تبریزی و صداقتی‌فرد، ۱۳۹۰؛ غفاری و

حبیب‌پور گتایی، ۱۳۹۳)، ناچیز بودن وقتی که ایرانیان صرف فعالیت‌های داوطلبانه و خیریه می‌کنند (به‌طور متوسط دو دقیقه در شبانه‌روز براساس گزارش مرکز آمار ایران در بهار ۹۴) از جمله شواهدی است که این ادعا را تأیید می‌کنند. هر چند که بخش زیادی از این شواهد دارای وجوه مشترکی با زوال شهروندی در غرب (Isin and Turner, 2002) است و همچنین نباید از فرایندهای جهانی که چنین وضعیت مشابهی را برای کشورها رقم زده است غفلت کرد، اما از آنجا که هر نظریه از شهروندی مستلزم درکی تاریخی و تطبیقی از آن است (Turner and Hamilton, 1994)، به نظر می‌رسد سنخ شهروندی و به تبع شهروندی اجتماعی در ایران و همچنین عوامل تعیین‌کننده آن تا حد زیادی دارای کیفیت و ویژگی‌های منحصربه‌فردی است که آن را از دیگر دولت - ملت ها جدا می‌کند. متأسفانه با وجود اهمیت موضوع شهروندی اجتماعی و لزوم شناسایی مختصات شهروندی اجتماعی ایرانی، تاکنون ورود جدی و اثربخش در فضای علمی به این موضوع نشده است.

گسترش گونه شهروندی اجتماعی منفعل^۱ به‌خصوص در عرصه‌های رسمی و داوطلبانه، مسئله اصلی این تحقیق است و برای بررسی تجربی این موضوع، استان یزد به عنوان جامعه مورد مطالعه انتخاب شده است. استان یزد در سال‌های اخیر روند توسعه و مدرن شدن را بسیار سریع طی کرده و مروری بر شاخص‌های توسعه صنعتی، نرخ شهرنشینی، مهاجرپذیری، سطح پوشش بیمه‌ای، میزان باسوادی، سطح توسعه انسانی و اجتماعی (براساس آمار سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳) نشان می‌دهد که این استان در همه این شاخص‌ها حداکثر رتبه ششم کشور را به خود اختصاص داده است. از سوی دیگر این استان سابقه درخشانی در مشارکت‌های اجتماعی به‌خصوص از نوع سنتی و غیررسمی داشته و زمینه فرهنگی برای کنشگری و فعالیت اجتماعی شهروندان در این استان فراهم است. اما علی‌رغم ارتقای چنین شاخص‌های توسعه‌ای، گزارش‌های آماری و نتایج تحقیقات نشان می‌دهند که این استان در سال‌های اخیر، در

حال تجربه کاهش محسوس سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی از یک سو و رشد قابل توجه فردگرایی خودمدارانه و برخی آسیب‌های اجتماعی در مقایسه با استان‌های دیگر کشور است. با این اوصاف، سؤال اصلی این پژوهش را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که نخست، استان یزد به لحاظ گرایش به شهروندی اجتماعی فعال در چه وضعیتی قرار دارد و دوم اینکه عوامل مؤثر بر این گرایش کدام است.

مبانی نظری پژوهش

ابداع و گسترش تعبیر «شهروندی اجتماعی» عمدتاً به تی. اچ. مارشال^۱ نسبت داده می‌شود (Dwyer, 2010؛ Turner and Hamilton, 1994؛ Janoski, 1998؛ پاتریک، ۱۳۸۱). به نظر او، شهروندی اجتماعی آخرین مرحله از توسعه شهروندی بعد از دو نوع قبلی آن یعنی شهروندی مدنی و شهروندی سیاسی است که در طول سه قرن تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی در اروپا و به‌خصوص بریتانیا رخ داده است. از نظر مارشال، حقوق اجتماعی شامل طیف وسیعی از انواع حقوق مانند: حق برخورداری از کمترین میزان رفاه و امنیت و زندگی کردن مطابق با استانداردهای رایج و غالب در جامعه به شیوه‌های موجود متمدن است (Marshall, 1950). مارشال ضرورت و ابعاد حقوق اجتماعی شهروندی را در شرایط سال‌های پس از جنگ جهانی تثویزه کرد و در حدود سه دهه بعد از آن یعنی دهه ۱۹۷۰ بر اثر مشکلات اقتصادی، از جمله بیکاری و رکود و پس از آن ظهور نشانه‌های جدی از پدیده جهانی‌شدن، نظریه او مورد انتقاد بسیاری از صاحب‌نظران شهروندی و سیاست‌گذاران اجتماعی قرار گرفت (Kartal, 2001؛ Turner, 2001؛ Janoski and Gran, 2002؛ Pateman, 1989؛ گیدنز، ۱۳۸۶). این انتقادات بیشتر از جانب ایدئولوژی‌های راست افراطی، محافظه‌کاری و نئولیبرالیسم مطرح می‌شد. وجه مشترک این انتقادات این بود که گسترش حقوق اجتماعی چیزی

1. Thomas humphery marshal

جز انفعال، وابستگی رفاهی به دولت، مشارکت ناچیز در تأمین رفاه، کاهش وابستگی به خانواده و زوال شبکه روابط خصوصی، به دنبال نداشته است (Dean, 2013; Rose, 2005; Mead, 1986; Keman, 1999). لذا در خلال این جریان، حجم گسترده‌ای از متون حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی به اصلاحات رفاهی و با کلیدواژگانی چون رفاه در ازای کار^۱، رفاه مختلط^۲، هیچ حقی بدون مسئولیت، مشارکت اجتماعی، خودبسندگی^۳ و رفاه مثبت^۴ اختصاص یافت که همگی اشاره به گونه‌ای از «شهروندی فعال» در تأمین و تدارک رفاه اجتماعی داشتند (Evers et al., 2013; Taylor-Gooby, 2009). مفهوم شهروندی فعال بر مشارکت و مداخله در تعیین سرنوشت خود و اجتماعی که فرد در آن زندگی می‌کند اشاره دارد. برای این کار شهروندان باید خود را تجهیز کنند، سطح آگاهی‌ها و مهارت‌های خود را ارتقا دهند و در مسیر مطالبه حقوق خود و دیگران، راه‌های دموکراتیک، قانونی و همراه با احترام به ارزش‌ها و اخلاق شهروندی را دنبال کنند.

از این رو، ادبیات شهروندی اجتماعی با شهروندی فعال عجین شده و دیدگاه‌های متنوعی نسبت به چیستی و ابعاد «شهروندی اجتماعی فعال» اظهار شده است. هواتزگر^۵ و همکارانش (۲۰۱۱) شهروندی اجتماعی فعال را هرگونه تلاشی می‌دانند که بر اثر آن عوامل دولتی — نظیر بروکراسی‌های عمومی — را مستقیماً پاسخگوی تعهدات قانونی خود در قبال اجتماع برای فراهم کردن کالاها و خدمات عمومی تضمین شده می‌کند. به گفته این نویسندگان، تعریف فوق هم متضمن تعهداتی از طرف دولت است هم تعهدات اجتماع و شهروندان. در برخی تعاریف البته، شهروندی اجتماعی فعال نه براساس رویکرد مارشالی بلکه به معنای درکی جامعه‌شناختی از

-
1. workfare
 2. mixed welfare
 3. self-sufficiency
 4. positive welfare
 5. Houtzager

شهروندی فعال و به‌کارگیری واژه «اجتماعی» به معنای رایج آن، همچون تعبیر سرمایه اجتماعی، امنیت اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته است (Pędziwaitr, 2007: 4; Burton, 2009: 278). اورز و همکارانش (۲۰۱۳) در کتاب خود با عنوان سیاست اجتماعی و شهروندی: چشم انداز در حال تغییر براساس مفهوم‌سازی دیوید میلر (۱۹۹۰) از رویکردهای شهروندی، چارچوبی از شهروندی اجتماعی فعال ارائه داده‌اند. در این چارچوب، هر کدام از رویکردهای لیبرال، سوسیال - لیبرال و جمهوری خواه دارای ابعاد فعال و منفعل هستند که در جدول زیر خلاصه‌ای از این تفاوت‌ها و با اندکی دخل و تصرف جمع‌بندی شده است.

با توجه به تنوع دیدگاه‌ها، ما در این تحقیق شهروندی اجتماعی فعال را این‌گونه تعریف کردیم: «مشارکت و مداخله افراد در تأمین و تدارک رفاه خود و دیگران به‌گونه‌ای که همراه با رعایت و احترام به ارزش‌های شهروندی، از قبیل پابندی به اصول دموکراتیک و مسئولیت‌پذیری نسبت به خیرجمعی، باشد». این تعریف تا حد زیادی به درک جمهوری خواهانه از شهروندی اجتماعی نزدیک است.

جدول ۱- ابعاد فعال و منفعل شهروندی اجتماعی براساس رویکردهای شهروندی

(Evers et al., 2013)

لیبرالیسم		سوسیال - لیبرال		جمهوری خواهی		عناصر شهروندی اجتماعی
منفعل (لیبرالیسم اجتماعی)	فعال (نتولیبرالیسم)	منفعل (سوسیال - دموکراسی قدیم)	فعال (نزدیک به راه سوم)	منفعل (جمهوری خواهی قدیم)	فعال (جمهوری خواهی جدید)	
دولت دلسوز	دولت حداقلی بی طرف	دولت رفاهی فراگیر	دولت فعال و سرمایه گذار اجتماعی	دولت سلطه طلب	دولت قانونمند و فضیلت گرا	دولت
مصرف گرایی رفاهی مدیریت شده در شبه بازارها	قرارداد محوری در بازار آزاد	رفاه همگانی با رویکرد منفی و جبرانگری	رفاه در ازای کار و با رویکرد مثبت و پیشگیرانه	رفاه محدود به جمع های خاص گرا	رفاه با هدف نفع عمومی	رفاه
متکی به حقوق دیگرانی که مورد تجاوز قرار گرفته	مسئولیت پذیری و استقلال فردی	دریافت و مطالبه حقوق و مزایا	مسئولیت پذیری برای استحقاق دریافت	مشارکت هدایت شده در شرایطی محدود	مشارکت خودجوش همراه با مسئولیت پذیری متقابل	شهروندان

چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری این پژوهش در وهله اول بر نظریه مارشال مبتنی است. این نظریه هر چند تاکنون مورد انتقادات گسترده‌ای قرار گرفته، اما چارچوب کلی ارائه شده در آن همچنان در پژوهش‌ها و مطالعات شهروندی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Davy et al., 2013: 2). مارشال (۱۹۵۰) عقیده داشت شهروندی کامل هنگامی تحقق می‌یابد که

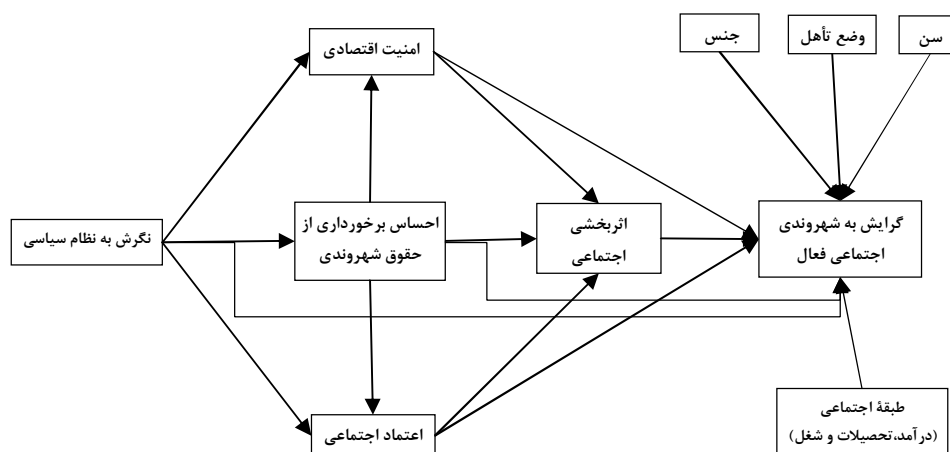
برخورداری از انواع حقوق شهروندی به مشارکت و شهروندی فعال منجر شود. نظریه مارشال را از این زاویه نیز می‌توان نگریست که هر چند حق و تکلیف، هر دو تعیین‌کننده موقعیت اجتماعی شهروندی به‌شمار می‌آیند اما در عمل این حقوق است که مقدم بر تکالیف بوده و تا این حقوق برآورده نشود نمی‌توان از تکالیف شهروندی و مشارکت شهروندان در فرایندهای سیاسی و اجتماعی سخن به میان آورد. حال سؤال ما در اینجا اولاً این است که انواع حقوق شهروندی تا چه اندازه بر گرایش به شهروندی اجتماعی فعال مؤثر است. سؤال دوم ناظر بر آن است که آیا براساس رویکردهای حقوق‌محور شهروندی (که مارشال یکی از پرچم‌داران آن بود)، برخورداری از انواع حقوق شهروندی به‌منظور تحقق شهروندی اجتماعی فعال اکتفا می‌کند یا اینکه علاوه بر آن، شرایط دیگری نیز باید مهیا شود تا این گونه از شهروندی گسترش یابد. پیش‌فرض این تحقیق آن است که در جامعه مورد مطالعه (استان یزد) عوامل متعدد دیگری نیز در گرایش به شهروندی اجتماعی و فعال دخیل هستند. در جست‌وجوی پاسخ به سؤال دوم و به منظور شناسایی عوامل کلیدی دیگر (علاوه بر برخورداری از حقوق شهروندی)، یکی از نظریاتی که بیش از همه مورد استفاده این تحقیق قرار گرفت و مصاحبه‌های اکتشافی تحقیق نیز از آن پشتیبانی کردند، نظریه روستاین (۱۳۹۳) است. روستاین در نظریه خود بر امر اعتماد و نقش آن در همکاری و مشارکت اجتماعی بسیار تأکید دارد و برخلاف پاتنام که اعتماد و سرمایه اجتماعی را حاصل شبکه‌ها و فعالیت‌های انجمنی در جامعه مدنی می‌داند، ایجاد و تداوم اعتماد را از بالا به پایین و نشئت‌گرفته از نهادهای حکومتی و سیاسی قلمداد می‌کند. روستاین می‌نویسد: «نهادهای حکومتی و خط‌مشی‌هایی که برابری سیاسی، حقوقی و اجتماعی تولید می‌کنند و بر اصول انصاف، صداقت و بی‌طرفی بنا شده‌اند، اعتماد به بار می‌آورند» و در صورت نبودن این اعتماد، مردم نیز دلیل‌شان را برای اعتماد به یکدیگر و به تبع همکاری و مشارکت از دست می‌دهند، زیرا به نهادهای عدالت‌محوری که باید مانع فساد و رفتارهای ناعادلانه شود، اعتماد ندارند و مردم تحت این شرایط، هم برای

دیگران و هم خودشان استنباط می‌کنند که «اگر هر کسی فاسد است پس چرا من نباشم» (روستاین، ۱۳۹۳: ۲۰-۲۲).

فرض ما نیز در این تحقیق این است که گرایش به شهروندی اجتماعی فعال در یک چارچوب نهادی و هنجاری و بر مبنای رابطه‌ای که بین فرد و نظام سیاسی و همچنین نهادهای دولتی و نیمه‌دولتی خدمت‌رسان در حوزه عمومی وجود دارد، شکل می‌گیرد. البته هرچند که همبستگی و پیوندی قوی بین اعتماد کلی به نظام سیاسی و اعتماد به نهادهای اجرایی بخش عمومی وجود دارد، در این تحقیق براساس شواهدی که از مصاحبه‌های اکتشافی به‌دست آمد، یک نوع استقلال نسبی بین اعتماد کلی به نظام سیاسی و اعتماد به نهادهای اجرایی بخش عمومی مشاهده شد. اعتماد به نهادهای اجرایی را در این تحقیق مطابق مرسوم، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی به‌شمار آوردیم. لذا استنباط ما این است که اعتماد اجتماعی که شامل هم اعتماد افراد به یکدیگر و هم اعتماد افراد به نهادهای حوزه عمومی است، بسیار تحت تأثیر نگرش کلی افراد به ساخت نظام سیاسی و اعتماد به صلاحیت و صداقت کنشگران سیاسی است.

یکی از عوامل دیگر تعیین‌کننده در گرایش به شهروندی اجتماعی فعال، احساس امنیت اقتصادی یا نداشتن نگرانی شدید از آینده مالی و شغلی است. همان‌طور که برخی پژوهشگران اشاره کرده‌اند، هرچه مخاطرات اقتصادی شدیدتر باشد گرایش به وابستگی رفاهی نیز بیشتر می‌شود (Evers et al., 2013: 26) و درواقع شهروندی اجتماعی تحت این شرایط، شکل منفعلانه‌تر به خود می‌گیرد. در اینجا به‌نظر می‌رسد که دو عاملی که قبلاً گفتیم (اعتماد و امنیت اقتصادی) به‌عنوان شروط حداقلی، در گرایش به شهروندی اجتماعی فعال مؤثرند، بدین معنی که در صورت تأمین نشدن آنها نمی‌توان انتظار تحقق شهروندی اجتماعی فعال را در بین افراد داشت. در راستای شناسایی عواملی که بیشتر به متغیر وابسته نزدیک بوده و در گرایش به سطوح بالاتر شهروندی اجتماعی فعال می‌توانند نقش ایفا کنند، در این تحقیق عاملی با نام «احساس

اثربخشی اجتماعی»، برگرفته از تحقیقات پیشین و مطالعات اکتشافی این تحقیق پیشنهاد شد. بنابراین به طور کلی چارچوب نظری این تحقیق بر این مبنا سامان یافته است که گرایش به شهروندی اجتماعی فعال علاوه بر احساس برخورداری از حقوق شهروندی، به پیش‌نیازهایی از جمله نگرش مثبت به نظام سیاسی، اعتماد اجتماعی و امنیت اقتصادی بستگی داشته و مجموعه این عوامل در صورتی که این احساس و باور را در افراد ایجاد کنند که آنها می‌توانند در فرایند زندگی اجتماعی خود نقش مؤثری ایفا کنند، می‌توان انتظار سطح بالایی از تحقق شهروندی اجتماعی فعال در بین شهروندان را داشت. البته قبلاً باید به این مسئله اساسی اشاره و توجه داشت که قدرت و احساس تأثیرگذاری بر روندها در هر سطح و لایه‌ای، شهروندی فعال را در همان سطح به دنبال خواهد داشت. از این رو، هرچه احساس قدرت و تأثیرگذاری شهروندان به سطح ملی گسترش یافته باشد، گرایش به شهروندی فعال در آن سطح نیز بالاتر است. اما اگر این احساس محدود به سطح محلی باشد، شهروندی فعال نیز در همان سطح شکل می‌گیرد. آنچه که در این تحقیق مورد توجه است، احساس اثربخشی اجتماعی در سطح کلان و ملی است که در ادامه مدل نظری تحقیق ترسیم شده:



شکل ۱- مدل نظری عوامل مؤثر بر گرایش به شهروندی اجتماعی فعال

- براساس چاقوب و مدل نظری پژوهش، فرضیات زیر را می‌توان مطرح کرد:
۱. بین ویژگی‌های فردی (سن، جنس و وضع تأهل) و گرایش به شهروندی اجتماعی فعال رابطه وجود دارد.
 ۲. بین طبقه اجتماعی افراد و گرایش به شهروندی اجتماعی فعال رابطه وجود دارد.
 ۳. هر چه جهت‌گیری و نگرش افراد به نظام سیاسی مثبت‌تر باشد، گرایش آنها به شهروندی اجتماعی فعال نیز بیشتر است، و برعکس، نگرش‌های منفی به نظام سیاسی گرایش کمتری به شهروندی اجتماعی فعال را به دنبال خواهد داشت.
 ۴. هر چه افراد بیشتر احساس کنند که از حقوق شهروندی برخوردارند، به شهروندی اجتماعی فعال گرایش بیشتری خواهند داشت و برعکس.
 ۵. هر چه افراد بیشتر احساس امنیت اقتصادی کنند، به شهروندی اجتماعی فعال گرایش بیشتری خواهند داشت و برعکس.
 ۶. هر چه میزان اعتماد اجتماعی در بین افراد بالاتر باشد، میزان گرایش به شهروندی اجتماعی فعال نیز در آنها بالاتر خواهد بود و برعکس.
 ۷. هر چه افراد بیشتر احساس اثربخشی اجتماعی داشته باشند، گرایش آنها به شهروندی اجتماعی فعال بیشتر خواهد بود و برعکس.

روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله کاربردی است، روش اجرای پژوهش پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها نیز پرسشنامه است. جمعیت آماری پژوهش حاضر شامل «همه شهروندان بالاتر از ۱۸ سال ساکن استان یزد» است. واحد آماری نیز در اینجا، شامل هر کدام از افراد خانوار معمولی ساکن در استان در زمان اجرای طرح (آذر ۱۳۹۴) است. جمعیت استان یزد براساس سرشماری سال ۱۳۹۰ برابر ۱۰۰۴۷۷۰ نفر بوده است که از این تعداد، ۵۸۲۶۸۲ نفر (۵۴ درصد) ساکن شهرستان یزد، مرکز استان، و بقیه به‌ترتیب

جمعیت در شهرستان‌های میبد، اردکان، ابرکوه، تفت، مهریز، بافق، خاتم، صدوق و بهاباد ساکن بوده‌اند. جمعیت بالاتر از ۱۸ استان براساس این سرشماری، برابر ۷۱۱۴۲۶ نفر بود. لازم به ذکر است که توزیع افراد بالای ۱۸ سال شهرستان‌های استان در مقایسه با همین توزیع در کل استان، از ترکیب بسیار مشابهی برخوردار است. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران و با در نظر گرفتن اثر طرح^۱، برابر ۶۵۰ مورد در نظر گرفته شد. شیوه نمونه‌گیری این پژوهش از نوع نمونه‌گیری احتمالی چندمرحله‌ای^۲ است. بدین صورت که در مرحله اول، مقرر شد به جای انتخاب افراد نمونه از کل ۱۰ شهرستان استان یزد که گستردگی جغرافیایی نسبتاً بالایی دارند، تعداد محدودتری از آنها برای نمونه‌گیری انتخاب شود. براساس نتایج یکی از مطالعات معتبر درخصوص رتبه‌بندی شهرستان‌های استان به لحاظ سطح توسعه‌یافتگی (بختیاری و دیگران، ۱۳۹۰) شهرستان‌های استان یزد به چهار دسته شهرستان‌های برخوردار (یزد، اردکان و میبد)، شهرستان‌های نیمه‌برخوردار (صدوق، تفت و مهریز)، شهرستان‌های نیمه‌محروم (باقق و ابرکوه) و شهرستان‌های محروم (خاتم و بهاباد) تقسیم شد و با توجه به تشابه نسبی سطح توسعه شهرستان‌های درون هر طبقه، از هر طبقه یک شهرستان به تصادف انتخاب شد که با این کار، شهرستان‌های یزد، تفت، بافق و بهاباد به‌عنوان شهرستان‌های منتخب از چهار طبقه مذکور (به‌ترتیب: برخوردار، نیمه‌برخوردار، نیمه‌محروم و محروم) در نمونه قرار گرفتند. از هر شهرستان یک شهر (مرکزی) و دو روستا برای نمونه‌برداری انتخاب شدند و در شهرها براساس نقشه‌های شهری و با توجه به نابرابری نسبی فضایی، تعدادی بلوک از هر منطقه انتخاب و در روستاها با توجه به کم بودن جمعیت و نبودن نابرابری فضایی قابل‌توجه، از این مرحله صرف‌نظر شد و یک یا دو بلوک به‌تصادف برای نمونه‌گیری در نظر گرفته شد. درنهایت، انتخاب واحدهای نمونه برای مصاحبه رودررو با افراد به شیوه سیستماتیک و با مراجعه به درب منازل صورت گرفت.

1. Design Effect

2. probability multi-stage sampling

تعاریف نظری و عملی متغیرها

• گرایش به شهروندی اجتماعی فعال

تعریف مفهومی: مشارکت و مداخله فعال شهروندان در تأمین رفاه به‌نحوی که همراه با رعایت و احترام به ارزش‌های شهروندی باشد (برگرفته از: Hoskins, 2009: 559).

تعریف عملی: به‌منظور عملیاتی‌سازی مفهوم گرایش به شهروندی اجتماعی فعال، این سازه به دو مؤلفه «مشارکت اجتماعی» و «ارزش‌ها و فضائل شهروندی» تقسیم شده است. این دسته‌بندی به پیروی از تعریف مفهومی و عملی هوسکینز و همکاران (۲۰۰۹) از شهروندی فعال صورت گرفته. مؤلفه مشارکت اجتماعی خود به دو بعد «مشارکت اجتماعی رسمی» و «مشارکت اجتماعی غیررسمی» تقسیم شد و در پرسشنامه سعی شد سؤالاتی مطرح شود که هر کدام به‌نوعی به تأمین و تدارک رفاه فردی و جمعی به‌دست شهروندان اشاره داشته باشد. برای مؤلفه ارزش‌های شهروندی نیز دو بعد «اخلاق دموکراتیک» و «احساس مسئولیت عام‌گرا» در نظر گرفته شد. معرف‌های مشارکت اجتماعی رسمی شامل مشارکت مالی و یا غیرمالی در بهزیستی یا کمیته امداد، مشارکت در ساخت بیمارستان یا مدرسه، مشارکت در اظهارنظر به شهرداری یا دهیاری، گرایش به فعالیت‌های انجمنی و کنش اعتراضی فعال نسبت به دستگاه‌های اجرایی خدمت‌رسان در حوزه عمومی است. برای مشارکت اجتماعی غیررسمی از معرف‌های کمک به زوج‌های جوان برای تشکیل زندگی، کمک به حل مشکل خانوادگی دیگران، همکاری و شرکت در مراسم مذهبی و فعالیت‌های خیریه‌ای و حل مشکل نیازمندان استفاده شد. اخلاق دموکراتیک شامل معرف‌های تحمل مخالف، خودمحور نبودن در استیفای حق، اتخاذ نکردن راه‌های غیرقانونی یا خشونت‌آمیز در استیفای حق و گرایش‌های عام‌گرا در استخدام است و درنهایت برای شاخص احساس مسئولیت عام‌گرا معرف‌های پایبندی و احترام به قانون، توجه به خیر و صلاح جمعی، تعهد به پرداخت مالیات،

احساس مسئولیت و وجدان کاری و احساس مسئولیت عام نسبت به سرنوشت جامعه در نظر گرفته شد.

• نگرش به نظام سیاسی

تعریف مفهومی: نگرش به نظام سیاسی، برداشت و جهت‌گیری کلی مثبت یا منفی نسبتاً پایدار شهروندان یک جامعه به صداقت، صلاحیت و عملکرد نظام سیاسی است (پناهی و بنی‌فاطمه، ۱۳۹۴).

تعریف عملی: برای سنجش مؤلفه نگرش به نظام سیاسی، از معرف‌های؛ صلاحیت مسئولین در اداره امور کشور، خیرخواهی در توجه به منافع مردم، صداقت در شعارها و اعتماد نسبت به عملکرد نهادهای عمده سیاسی شامل مجلس شورای اسلامی، دولت و هیأت وزیران و قوه قضائیه استفاده شده است.

• احساس برخورداری از حقوق شهروندی

تعریف مفهومی: منظور از احساس برخورداری از حقوق شهروندی، میزان برخورداری ادراک‌شده شهروندان از حقوق سه‌گانه سیاسی، مدنی و اجتماعی شهروندی در جامعه است. هرچند که از انواع حقوق شهروندی، دسته‌بندی‌های مختلفی ارائه شده است، اما در پژوهش‌های میدانی، اغلب از دسته‌بندی شناخته‌شده مارشال استفاده می‌شود (Bolzendahl and Coffe, 2009: 766).

تعریف عملی: برای حقوق اجتماعی از معرف‌های وجود فرصت پیشرفت در زندگی برای همه، توجه دولت به محرومان و نیازمندان، امکان اشتغال تحت شرایط مساوی برای همه و وجود حداقل استانداردهای زندگی برای شهروندان استفاده شد. حقوق مدنی شامل معرف‌های؛ اجرای قانون برای همه به‌طور یکسان، رسیدن به حق خود در صورت تضییع آن، احترام یکسان مسئولان به همه اقوام و اقلیت‌های کشور، احترام به حریم خصوصی و خانوادگی از سوی مسئولان و انتقاد از حکومت بدون نگرانی است. برای سنجش احساس برخورداری از حقوق سیاسی نیز از معرف‌های اعتنا به رأی مردم، امکان کاندید شدن همه افراد و گروه‌ها برای پست‌های سیاسی،

آزادی عمل احزاب و گروه‌های سیاسی، دسترسی آزاد و درست به اخبار و رخدادهای سیاسی و انتخاب افراد و نمایندگان سیاسی براساس رأی مردم استفاده شد.

• اعتماد اجتماعی

تعریف مفهومی: منظور از اعتماد، حسن ظن و اتکا به دیگری، اعم از کنشگر فردی یا جمعی، از حیث خیر در نیت (توجه به منافع دیگران و مراعات آن)، درستی در گفتار (اطلاعات صحیح) و راستی در کردار (عمل صحیح/ کارا) است (چلبی، ۱۳۹۳: ۶۶). به‌طور کلی اعتماد بر سه نوع است: (۱) اعتماد بین‌فردی؛ (۲) اعتماد تعمیم‌یافته و (۳) اعتماد نهادی (موسوی خامنه، ۱۳۸۳: ۱۰) که در پژوهش حاضر، این تفکیک مفهومی اتخاذ شد.

تعریف عملی: برای سنجش اعتماد بین‌فردی از معرف‌های اعتماد به اعضای خانواده، اعتماد به اقوام و خویشان، اعتماد به دوستان و قرض دادن پول به آشنایان، در صورت مطالبه آنها، استفاده شده است. معرف‌های اعتماد تعمیم‌یافته شامل اعتماد به اکثریت مردم، حساب باز کردن روی افراد غریبه در مواقع نیاز، سوءاستفاده نکردن دیگران در صورت اعتماد به آنهاست. به‌منظور سنجش اعتماد نهادی نیز میزان اعتماد به نهادهای شهرداری، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، تأمین اجتماعی، بهزیستی، کمیته امداد، نیروی انتظامی، امور مالیاتی، دادگستری و دانشگاه مورد سؤال قرار گرفت.

• احساس امنیت اقتصادی

تعریف مفهومی: احساس ثابت فرد برای داشتن توانایی مالی و شغل مطمئن درآمدزا که قابلیت برآورده کردن نیازهای او را داشته و در مواقع خطر و تهدید، نگرانی شدیدی از آینده مالی برای او ایجاد نمی‌کند (باجپایی، ۱۳۸۴: ۴۲).

تعریف عملی: از معرف‌های سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی بدون نگرانی، حمایت دولت و سازمان‌های حمایتی در صورت بیکاری یا ازکار افتادگی، وجود حداقل درآمدی که کفاف هزینه‌های زندگی را بدهد، در امان بودن مال و اموال مردم و رسیدن به پای مخارج زندگی، برای سنجش این متغیر استفاده شد.

• احساس اثربخشی اجتماعی

تعریف مفهومی: وضعیتی که در آن فرد احساس می‌کند می‌تواند به‌عنوان یک شهروند در تعیین سرنوشت و بهبود شرایط حیات اجتماعی خود سهم بوده و نتایج مورد انتظاری را که به دنبال آن است، تعیین و تحقق بخشد (برگرفته از: محسنی تبریزی، ۱۳۹۰: ۶؛ Swartz et al., 2009: 638).

تعریف عملی: معرف‌های این متغیر عبارت است از: بیفایده بودن و اتلاف وقت در صورت تلاش برای حل معضلات اجتماعی، فراهم نبودن شرایط برای مشارکت و مداخله در امور جامعه، انحصار قدرت در دست دولت و افراد خاص، نداشتن انگیزه و رغبت به فعالیت در اداره امور شهر و کشور، سهم نبودن مردم در تعیین سرنوشت خویش.

• طبقه اجتماعی

تعریف مفهومی: به مجموعه‌ای از افرادی گفته می‌شود که در یک سلسله‌مراتب اجتماعی - اقتصادی دارای پایگاه برابر بوده و از حقوق، تحصیلات و مزایای نسبتاً یکسانی برخوردار باشند (غیاثوند، ۱۳۹۰: ۱۷۴).

تعریف عملی: برای سنجش طبقه اجتماعی از مقیاس دانکن و شاخص ترکیبی متغیرهای درآمد، منزلت شغلی و سطح تحصیلات افراد استفاده شده است. میزان درآمد ماهیانه خانوار افراد در یک مقیاس ترتیبی و با پنج درجه؛ کمتر از ۵۰۰ هزار، ۵۰۰ تا ۱۰۰۰، ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰، ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ و ۲۵۰۰ به بالا مورد سؤال قرار گرفت. برای اندازه‌گیری منزلت شغلی از جدول کدگذاری منزلت شغلی دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد استفاده شد و سپس در قالب ۵ طبقه تقسیم‌بندی شد. برای اطلاع از میزان تحصیلات افراد نیز ابتدا از طریق یک سؤال چندگزینه‌ای (بی‌سواد، ابتدایی، راهنمایی، متوسطه، دیپلم، لیسانس، فوق‌لیسانس، دکتری و حوزوی) سطح تحصیلات مشخص و سپس در قالب ۵ مقطع تحصیلی دسته‌بندی مجدد شد. در نهایت برای سنجش مفهوم طبقه اجتماعی با ترکیب هر سه متغیر شغل، درآمد و تحصیلات از طریق

جمع نمرات آنها، شاخصی ایجاد شد که حداقل و حداکثر نمره ممکن آن به ترتیب برابر است با ۳ و ۱۵. برای توصیف طبقه اجتماعی افراد نیز، همین نمرات به ۵ دسته کلی (طبقه خیلی بالا، بالا، متوسط، پایین و خیلی پایین) تقسیم شد.

اعتبار و پایایی متغیرها

در گام نخست بررسی اعتبار سنجه‌های مربوط به متغیرهای پژوهش، از روش اعتبار محتوا استفاده شده است. بدین صورت که اولاً از چند معرف برای هر شاخص استفاده و ثانیاً سعی شده این معرف‌ها منطبق بر تعاریفی باشد که مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته و شاخص‌های لازم برای شناسایی ابعاد و جوانب متغیرها بر همین مبنا عملیاتی شوند. در گام بعد، برای بهره‌گیری از اعتبار صوری، گویه‌ها و پرس‌نامه طراحی شده در اختیار تعدادی از خبرگان و صاحب‌نظران قرار داده شد تا به ارزیابی و قضاوت درخصوص اعتبار ابزار سنجش بپردازند. گام نهایی اعتبارسنجی شامل احراز اعتبار سازه برای متغیرهای تحقیق است که از روش تحلیل عاملی استفاده شد. پس از اجرای تحلیل عاملی و چرخش متعامد واریماکس، دو معرف از معرف‌های متغیر وابسته پژوهش (شرکت در مراسمات مذهبی و عام‌گرایی در استخدام) به دلیل ناهمخوانی با معرف‌های دیگر حذف شدند. پایایی متغیرهای پژوهش نیز از روش همبستگی درونی شاخص‌ها و با محاسبه مقدار آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرار گرفت. این مقدار برای متغیر وابسته (گرایش به شهروندی اجتماعی فعال) برابر ۰/۸۱ و برای متغیرهای نگرش به نظام سیاسی، برخورداری از حقوق شهروندی، اعتماد اجتماعی، احساس امنیت اقتصادی و احساس اثربخشی اجتماعی به ترتیب برابر ۰/۸۷، ۰/۹۲، ۰/۸۶، ۰/۷۶ و ۰/۸۷ است که این مقادیر نشان می‌دهد همگی متغیرها از روایی نسبتاً مقبولی برخوردارند.

یافته‌های پژوهش

الف) سیمای پاسخگویان

از ۶۲۶ نفر مورد مطالعه ۴۷ درصد زن و ۵۳ درصد مرد بوده‌اند. به لحاظ وضع تأهل، ۲۹ درصد مجرد و ۷۰ درصد متأهل و ۱ درصد همسر فوت شده یا طلاق گرفته هستند. با توجه به اندک بودن درصد اخیر، این دسته افراد از تحلیل‌های استنباطی مربوط به این متغیر، حذف شدند. میانگین و انحراف معیار سنی افراد نمونه به ترتیب برابر ۳۵ و ۱۳ است. تفکیک میانگین سنی پاسخگویان شهری و روستایی نیز نشان داد میانگین سنی شهری برابر ۳۳ و روستایی برابر ۳۹ است. لازم به ذکر است که متناسب با حجم جامعه، ۸۴ درصد جمعیت پاسخگویان شهری و ۱۶ درصد روستایی است. در مورد متغیر طبقه اجتماعی افراد با توجه به تعداد بالای بی‌پاسخ‌ها به خصوص در مورد متغیر نوع شغل (خود یا سرپرست خانوار)، پاسخ‌های معتبر برابر ۳۳۸ مورد است. از این تعداد، ۱۲ درصد در طبقه پایین، ۲۸ درصد در طبقه متوسط روبه پایین، ۴۴ درصد در طبقه متوسط، ۱۰ درصد در طبقه متوسط روبه بالا و ۶ درصد در طبقه بالا قرار دارند.

ب) توصیف ویژگی‌های متغیرهای پژوهش

جدول ۲ برخی آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. مقادیر میانگین به دست آمده بر روی طیف ۱ تا ۵ با حد وسط ۳ قرار گرفته‌اند. هر چه این مقادیر به ۱ نزدیک‌تر باشد در مجموع، نمره پاسخگویان نسبت به آن متغیر، ضعیف و پایین و هر چه به ۵ نزدیک‌تر باشد، نمرات بالاتری در آن متغیر کسب شده است.

جدول ۲- برخی آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق (n=۶۲۶)

میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	مینیم	ماکزیمم
۳/۲۷	۳/۲۸	۳/۷۱	۰/۷۱	۱	۴/۷۱
۳/۵۶	۳/۶۷	۴	۰/۸۷	۱	۵
۳/۴۱	۳/۴۸	۳/۵۲	۰/۶۶	۱/۴۳	۴/۸۶
۳	۳	۳/۳۳	۰/۸۴	۱	۵
۳/۵۳	۳/۵	۳/۶۷	۰/۵۷	۱/۵۸	۴/۸۳
۳/۴۵	۳/۴۸	۳/۶۲	۰/۵۳	۱/۴۸	۴/۷۷
۳/۴۵	۳/۴۸	۳/۶۲	۰/۵۳	۱/۴۸	۴/۷۷
۲/۶۵	۲/۷۱	۲/۵۰	۰/۷۸	۱	۵
۲/۶۵	۲/۶۷	۲/۵۳	۰/۷۷	۱	۴/۵۳
۲/۹۶	۲/۹۷	۳/۱۳	۰/۵۳	۱/۳۷	۴/۴۴
۲/۳۴	۲/۴	۲/۸	۰/۷۴	۱	۴/۲۰
۲/۷۹	۲/۸۳	۳	۰/۸۷	۱	۵

به‌طورکلی نتایج این بخش نشان می‌دهد که گرایش افراد به شهروندی اجتماعی فعال و همچنین مؤلفه‌های آن در حد متوسط و کمی بالاتر از آن است. اما میانگین نمرات افراد نمونه در همه متغیرهای مستقل از حد متوسط (۳) کمتر است.

ج) آزمون فرضیات

با توجه به اینکه اکثر تحلیل‌های استنباطی بر پایه روش رگرسیون قرار دارد و یکی از مفروضات استفاده از این روش نرمال بودن متغیر وابسته است، پس از اجرای

آزمون کلموگروف - اسمیرنوف و ترسیم نمودار جعبه‌ای تصمیم گرفته شد تعدادی از داده‌های پرت این متغیر حذف شود تا فرض نرمال بودن برقرار شود و بنابراین به‌منظور تحلیل‌های استنباطی بر روی ماتریس داده‌های کامل، حجم نمونه از ۶۲۶ به ۵۹۵ مورد تقلیل یافت. یکی دیگر از مفروضات استفاده از تحلیل رگرسیون، نرمال بودن خطاهاست که این شرط نیز برای هر تحلیل رگرسیونی به‌طور جداگانه و پس از ترسیم نمودارهای هستوگرام و احتمال نرمال داده‌های خطا محرز شد. فرض استقلال خطاها نیز با آزمون دوربین واتسون انجام شد. چنانچه آماره این آزمون^۱ در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار گیرد، فرض عدم همبستگی یا استقلال خطاها پذیرفته و در غیر این صورت این فرضیه رد می‌شود. این مقدار برای هر تحلیل رگرسیونی به‌طور جداگانه گزارش شده است. برای بررسی فرض عدم هم‌خطی نیز از شاخص‌های ضریب تحمل^۲ و عامل تورم واریانس^۳ استفاده شد. به‌طورکلی چنانچه ضریب تحمل کوچک‌تر از ۰/۲ و یا عامل تورم واریانس بزرگ‌تر از ۱۰ باشد، در آن صورت احتمال هم‌خطی وجود دارد.

نتیجۀ آزمون t دو نمونه مستقل نشان داد بین متغیر جنس و گرایش به شهروندی اجتماعی فعال رابطه معناداری در سطح خطای ۰/۰۵ وجود دارد و میانگین نمرات زنان در این متغیر بیشتر از مردان است. بررسی‌های بیشتر نشان داد که این رابطه بیش از هر چیز به‌دلیل گرایش بیشتر زنان در مقایسه با مردان به مشارکت‌های اجتماعی رسمی است. بین سن و شهروندی اجتماعی فعال هر چند در نگاه اول رابطه معکوس و معنادار در سطح ۰/۰۵ وجود دارد اما این رابطه پس از حذف گروه سنی ۶۹ سال و بالاتر (به تعداد ۸ نفر) رنگ باخته و در بین بقیه گروه‌های سنی، الگوی قابل تفسیری در رابطه بین این دو متغیر وجود ندارد. بین متغیر وضع تأهل و متغیر وابسته نیز رابطه معناداری مشاهده نشد. همچنین نتایج آزمون گاما برای بررسی رابطه دو متغیر ترتیبی

1. DW
2. Tolerance
3. VIF

طبقه اجتماعی و متغیر وابسته (پس از کدگذاری مجدد)، نشان داد مقدار گاما برابر ۰/۱۵۲ و مقدار معناداری آن $\text{Sig}=0/018$ است. این رابطه در سطح ۰/۰۵ معنادار ولی در سطح ۰/۰۱ غیرمعنادار است. بررسی‌های بیشتر و با تفکیک مؤلفه‌های طبقه اجتماعی (درآمد، منزلت شغلی و تحصیلات) روشن ساخت که از بین این سه مؤلفه، تنها مؤلفه سطح تحصیلات دارای رابطه معنادار (در سطح خطای ۰/۰۵) با متغیر وابسته است. به عبارت دیگر با افزایش سطح تحصیلات، گرایش به شهروندی اجتماعی فعال نیز افزایش می‌یابد. همچنین نتایج اجرای دستور جدول تقاطعی و آزمون گاما به تفکیک مؤلفه‌های شهروندی اجتماعی فعال (مشارکت اجتماعی و ارزش‌های شهروندی) نیز نتیجه مشابهی به دنبال داشت. از آزمون تحلیل رگرسیون برای بررسی فرضیات دیگر تحقیق استفاده شده است که جدول زیر نتایج آن را نشان می‌دهد.

جدول ۳- نتایج آزمون رگرسیون خطی ساده متغیرهای تحقیق (به‌طور جداگانه)^۱

نام متغیر مستقل	R	R ²	F	Sig	DW	B0 ²	B1 ³	Beta ⁴
نگرش به نظام سیاسی	۰/۲۵	۰/۰۶	۴۰/۱۴	۰/۰۰۰	۱/۸۷	**۳/۱۳	**۰/۱۴	۰/۲۵
برخورداري از حقوق شهروندی	۰/۲۶	۰/۰۷	۴۴	۰/۰۰۰	۱/۹۱	**۳/۰۱	**۰/۱۶	۰/۲۶
اعتماد اجتماعی	۰/۳۹	۰/۱۵	۱۰۹/۱	۰/۰۰۰	۱/۸۷	**۲/۴۹	**۰/۳۴	۰/۳۹
احساس امنیت اقتصادی	۰/۲۷	۰/۰۷	۴۶/۶۶	۰/۰۰۰	۱/۸۴	**۳/۱۳	**۰/۱۶	۰/۲۷
احساس اثر بخشی اجتماعی	۰/۳۸	۰/۱۴	۹۸/۵۴	۰/۰۰۰	۱/۸۵	**۲/۹۶	**۰/۲۰	۰/۳۸

۱. متغیر وابسته: گرایش به شهروندی اجتماعی فعال $n=595$

بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به شهروندی ... ۱۶۱

۲. مقدار ثابت: * معنادار در سطح ۰/۰۵ و ** معنادار در سطح ۰/۰۱ (در آزمون تفاوت با مقدار صفر)
۳. ضریب رگرسیونی غیراستاندارد: * معنادار در سطح ۰/۰۵ و ** معنادار در سطح ۰/۰۱ (در آزمون تفاوت با مقدار صفر)
۴. ضریب رگرسیونی استاندارد

مقدار R بیانگر ضریب همبستگی چندگانه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته است. با توجه به اینکه در اینجا، هر تحلیل رگرسیونی شامل تنها یک متغیر مستقل است، این مقدار (R) برابر ضریب همبستگی پیرسون (r) است، ضمن اینکه ضریب رگرسیونی استاندارد (Beta) نیز با این مقدار برابر است. مقدار R^2 یا ضریب تعیین نشان می‌دهد چه سهمی از تغییرات متغیر وابسته با متغیر یا متغیرهای مستقل تبیین شده. با مروری بر مقادیر این ستون مشاهده می‌شود بیشترین مقدار ضریب تعیین مربوط به متغیرهای اعتماد اجتماعی و احساس اثربخشی اجتماعی است. مقادیر دو ستون F و Sig نیز معناداری ضرایب تعیین را در سطح ۰/۰۱ نشان می‌دهند. آماره دوربین - واتسون (DW) برای همه مدل‌های رگرسیونی در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد و بنابراین می‌توان فرض استقلال خطاها را پذیرفت. ضرایب رگرسیونی غیراستاندارد نیز همگی در سطح ۰/۰۱ دارای تفاوت معنادار با مقدار صفر هستند. با این توضیحات می‌توان گفت که فرضیات ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷ تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرند.

د) تحلیل رگرسیون گام به گام متغیرهای تحقیق

در این بخش درصددیم همه متغیرهای مستقل را از طریق روش رگرسیون گام به گام^۱ وارد تحلیل رگرسیون کرده و اثر خالص هر متغیر را در کنار متغیرهای دیگر

در هر گام مورد بررسی قرار دهیم. با توجه به فاصله‌ای نبودن سطح سنجش متغیرهای جنس و وضع تأهل، این دو متغیر به صورت متغیرهای مجازی^۱ وارد مدل شدند. جنس با کدهای ۰ = زن و ۱ = مرد و وضع تأهل با کدهای ۰ = متأهل و ۱ = مجرد. از بین مؤلفه‌های طبقه اجتماعی نیز تنها متغیر سطح تحصیلات را پس از کدگذاری مجدد براساس تعداد سال‌هایی که افراد تحصیل کرده‌اند (مثلاً فوق‌دیپلم = ۱۴ و لیسانس = ۱۶) وارد مدل کردیم. نکته دیگر اینکه ۱۴ مورد بی‌پاسخ از بین ۵۹۵ نفری که داده‌های آنها کامل بود، در مورد سطح تحصیلات وجود داشت که به منظور حفظ داده‌های کامل در تحلیل رگرسیونی، میزان تحصیلات این ۱۴ مورد با میانگین سطح تحصیلات دیگران که برابر ۱۳/۰۷ به دست آمد جایگزین شد. متغیرهای دیگر اشاره شده همگی در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

در اینجا شرط ورود هر متغیر به مدل رگرسیون، افزایش معنادار مقدار F در سطح ۰/۰۵ و شرط خروج هر متغیر، کاهش معنادار مقدار F در سطح ۰/۱۰ است. در تحلیل حاضر، چهار گام و در هر گام یک متغیر به مدل اضافه شده است. به عبارت دیگر حضور هم‌زمان این چهار متغیر در مدل رگرسیون، معنادار است. جدول زیر شاخص‌های هر مدل و ضرایب رگرسیونی متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۴- نتایج رگرسیون گام به گام شهروندی اجتماعی فعال بر متغیرهای مستقل

مدل	مقدار R	مقدار R^2	تغییرات R^2	تغییرات F	معناداری تغییرات F	مقدار آماره DW
۱	۰/۳۹۴	۰/۱۵۵	۰/۱۵۵	۱۰۹/۱۲	۰/۰۰۰	
۲	۰/۴۴۸	۰/۲۰۱	۰/۰۴۶	۳۳/۷۶	۰/۰۰۰	
۳	۰/۴۷۴	۰/۲۲۴	۰/۰۲۳	۱۷/۹۰	۰/۰۰۰	
۴	۰/۴۸۴	۰/۲۳۴	۰/۰۱۰	۷/۶۵	۰/۰۰۶	۱/۷۹

1 . Dummy variable

۱۶۳ بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به شهروندی ...

ضرایب رگرسیونی

مدل	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب استاندارد		مقدار t	Sig.	آماره‌های هم‌خطی	
		B	Std. Error			Tolerance	VIF
۱	ثابت	۲/۴۸۶	۰/۱۰۰		۲۴/۷۸۰	۰/۰۰۰	
	اعتماد اجتماعی	۰/۳۴۵	۰/۰۳۳	۰/۳۹۴	۱۰/۴۴۶	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
۲	ثابت	۲/۴۳۳	۰/۰۹۸		۲۴/۸۱۲	۰/۰۰۰	
	اعتماد اجتماعی	۰/۲۴۲	۰/۰۳۷	۰/۲۷۶	۶/۵۸۳	۰/۰۰۰	۱/۳۰۵
	اثربخشی اجتماعی	۰/۱۲۷	۰/۰۲۲	۰/۲۴۴	۵/۸۱۱	۰/۰۰۰	۱/۳۰۵
۳	ثابت	۲/۲۲۲	۰/۱۰۹		۲۰/۴۲۴	۰/۰۰۰	
	اعتماد اجتماعی	۰/۲۴۲	۰/۰۳۶	۰/۲۷۷	۶/۶۸۴	۰/۰۰۰	۱/۳۰۵
	اثربخشی اجتماعی	۰/۱۲۰	۰/۰۲۲	۰/۲۳۰	۵/۵۵۱	۰/۰۰۰	۱/۳۱۳
	میزان تحصیلات	۰/۰۱۸	۰/۰۰۴	۰/۱۵۴	۴/۲۳۱	۰/۰۰۰	۱/۰۰۸
۴	ثابت	۲/۲۷۱	۰/۱۱۰		۲۰/۷۱۷	۰/۰۰۰	
	اعتماد اجتماعی	۰/۲۵۲	۰/۰۳۶	۰/۲۸۸	۶/۹۵۷	۰/۰۰۰	۱/۳۱۷
	اثربخشی اجتماعی	۰/۱۱۷	۰/۰۲۲	۰/۲۲۴	۵/۴۲۶	۰/۰۰۰	۱/۳۱۷
	میزان تحصیلات	۰/۰۱۶	۰/۰۰۴	۰/۱۳۹	۳/۷۹۷	۰/۰۰۰	۱/۰۳۰
	جنس (مرد)	-۰/۰۸۹	۰/۰۳۲	-۰/۱۰۱	-۲/۷۶۷	۰/۰۰۶	۱/۰۳۲

در مدل شماره ۱، متغیر اعتماد اجتماعی به‌عنوان تنها متغیر پیش‌بین حضور دارد. این متغیر به‌تنهایی ۱۵/۵ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. در مدل شماره ۲ متغیر احساس اثربخشی اجتماعی نیز به مدل اضافه می‌شود. حضور این متغیر نیز ضمن اینکه تغییر معنادار در سطح ۰/۰۵ در مقدار R^2 ایجاد می‌کند، حذف آن نیز کاهش مقدار R^2 را در سطح ۰/۱۰ به دنبال ندارد. لذا شرط حضور را دارد. در مدل شماره ۳ متغیر سطح تحصیلات بر متغیرهای قبلی اضافه می‌شود و درنهایت مدل شماره ۴ شامل متغیرهای قبلی به‌اضافه متغیر جنس است. از این گام به بعد هیچ‌کدام از متغیرها شرایط ورود به مدل رگرسیونی را ندارند. این چهار متغیر (اعتماد اجتماعی، احساس اثربخشی اجتماعی، میزان تحصیلات و جنس) مجموعاً قادرند ۲۳ درصد تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کنند.

اندک بودن مقدار ضریب تبیین در مدل نهایی تحقیق را می‌توان به عوامل مختلفی نسبت داد. یکی از این دلایل که پس از بررسی‌های توصیفی و جست‌وجوی چگونگی توزیع متغیرهای مستقل تحقیق محرز شد، ارجاع می‌یابد به تمرکز و تجمع بیشتر نمرات افراد در سر منفی طیف متغیرهای اعتماد اجتماعی و اثربخشی اجتماعی که این به‌نوبه خود موجب کاهش واریانس لازم برای توضیح متغیر وابسته شده و لذا میزان تبیین‌کنندگی آنها کمتر از حد انتظار به‌دست آمده است. به تعبیر دیگر اثر سلبی متغیرهای اعتماد اجتماعی و احساس اثربخشی اجتماعی بیش از اثر ایجابی آنها در این تحقیق نمایان شده است، بدین معنی که در صورت نداشتن اعتماد و احساس اثربخشی اجتماعی، نمی‌توان انتظار گرایش زیاد به شهروندی اجتماعی فعال از سوی افراد را داشت، اما سطوح بالاتر گرایش به شهروندی اجتماعی فعال، یا نیازمند نقش‌آفرینی مثبت این عوامل است و همان‌طور که اشاره شد با فقدان داده‌های مکفی در این زمینه مواجه هستیم و یا اینکه حضور عوامل دیگری را طلب می‌کند که در این تحقیق مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند.

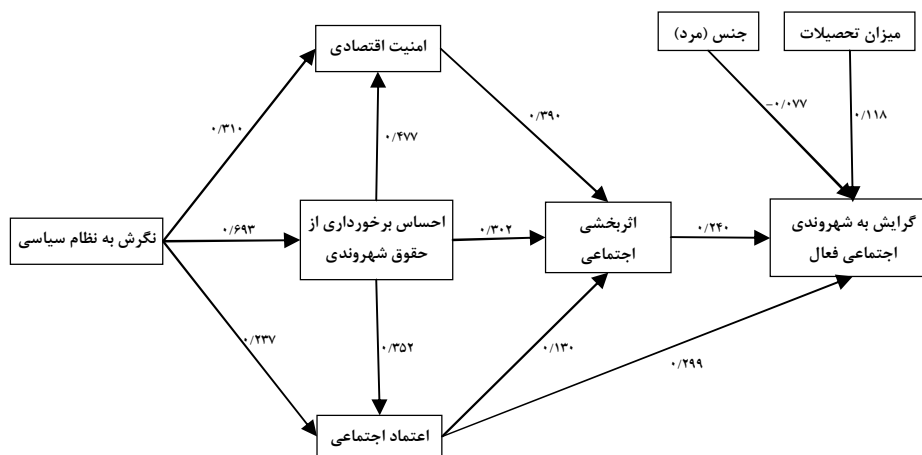
نتایج آزمون معناداری برابری یا اختلاف ضرایب رگرسیون (B) از عدد صفر (ستون‌های t و sig) نشان می‌دهد متغیرهای موجود در هر مدل دارای ضرایب رگرسیون نابرابر با صفر هستند. ضرایب B تأثیر خالص و پس از تفکیک اثر عوامل دیگر در مدل را نشان می‌دهند. همان‌طور که ضرایب رگرسیونی نشان می‌دهد، همگی دارای علامت مثبت هستند، به‌جز متغیر جنس که نشان می‌دهد مرد بودن اثر منفی بر گرایش به شهروندی اجتماعی فعال دارد. معادله رگرسیون مربوط به مدل نهایی (شماره ۴) به‌صورت زیر است:

$$0.09 - \text{جنس (مرد)} + 0.02 \times \text{میزان تحصیلات} + 0.12 \times \text{اثر بخشی اجتماعی} + 0.25 \times \text{اعتماد اجتماعی} + 2.27 = \text{شهروندی اجتماعی فعال}$$

با استفاده از این معادله می‌توان نمره گرایش به شهروندی اجتماعی فعال را پیش‌بینی کرد. بدین‌صورت‌که با داشتن نمرات متغیرهای مستقل، آنها را در معادله جایگذاری کرد و نمره متغیر وابسته را پیش‌بینی کرد.

ه) تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر شهروندی اجتماعی فعال

در رگرسیون گام‌به‌گام همگی متغیرها وارد تحلیل شدند و تشخیص حضور یا عدم حضور متغیرها در مدل، برعهده قواعد محاسباتی این روش گذاشته شد. در این بخش قصد داریم متغیرهای مستقل و وابسته را براساس مدل نظری تحقیق وارد تحلیل کرده و اثرات مستقیم و غیرمستقیم هر عامل را مورد مطالعه قرار دهیم. نمودار زیر مدل روابط علی بین متغیرهای تحقیق را پس از انجام پنج تحلیل رگرسیون به روش هم‌زمان نشان می‌دهد. در این مدل تنها ضرایب و علامت‌های پیکانی آورده شده است که در سطح ۰/۰۱ معنادارند. باید گفت تفاوت این مدل با مدل نظری تحقیق، آن است که در مدل نظری علامت‌های پیکان مستقیماً از همه متغیرهای مستقل به متغیر وابسته نیز ترسیم شده بود اما در مدل تجربی علامت پیکان از چهار متغیری که اثر خالص و مستقیم معنادار بر متغیر وابسته دارند، ترسیم شده است.



شکل ۲- مدل تجربی عوامل مؤثر بر گرایش به شهروندی اجتماعی فعال

جدول زیر اثرات مستقیم و غیرمستقیم هر عامل را بر متغیر وابسته نشان می‌دهد.

جدول ۵- اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر گرایش به شهروندی اجتماعی فعال

متغیرهای مستقل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
نگرش به نظام سیاسی	-۰/۰۲۲	۰/۲۶	۰/۲۴
بر خورداری از حقوق شهروندی	۰/۰۰۳	۰/۲۳	۰/۲۳
احساس امنیت اقتصادی	-۰/۰۱۵	۰/۰۹	۰/۰۷
اعتماد اجتماعی	۰/۲۹۹	۰/۰۳	۰/۳۳
احساس اثربخشی اجتماعی	۰/۲۴۰	-	۰/۲۴
سطح تحصیلات	۰/۱۱۸	-	۰/۱۱۸
سن	۰/۰۳۹	-	۰/۰۳۹
جنس (مرد)	-۰/۰۷۷	-	-۰/۰۷۷
وضع تأهل (مجرد)	۰/۰۰۱	-	۰/۰۰۱

با این نتایج مشخص می‌شود که دو متغیر نگرش به نظام سیاسی و برخورداری از حقوق شهروندی هرچند اثر مستقیم معناداری بر متغیر وابسته ندارند، اما اثر غیرمستقیم آنها نسبتاً قابل توجه است. از طرف دیگر متغیرهای اعتماد اجتماعی و احساس اثربخشی اجتماعی دارای بیشترین اثر مستقیم بر گرایش به شهروندی اجتماعی فعال هستند.

نتیجه‌گیری

براساس داده‌های به‌دست‌آمده از این پژوهش، میانگین نمرات گرایش به شهروندی اجتماعی فعال در استان یزد براساس شاخص ایجاد شده، از حد وسط طیف اندکی بالاتر بوده و بنابراین نمی‌توان شهروندان یزدی را شهروندانی منفعل تلقی کرد؛ اما وضعیت نمرات درخصوص متغیرهای مستقل تحقیق، متفاوت بوده و یافته‌ها حاکی از نامطلوب بودن وضعیت نگرش به نظام سیاسی، برخورداری از حقوق شهروندی، اعتماد اجتماعی، احساس امنیت اقتصادی و احساس اثربخشی اجتماعی در بین شهروندان دارد. براساس یافته‌ها، از بین ابعاد حقوق شهروندی (مدنی، سیاسی و اجتماعی)، حقوق اجتماعی کمترین تأثیر را بر گرایش به شهروندی اجتماعی فعال داشته و همچنین با توجه به معنادار نبودن نقش این مؤلفه در مقایسه با دو مؤلفه دیگر، نظریه مارشال را که براساس آن حقوق اجتماعی به همان اندازه حقوق سیاسی و مدنی در شهروندی کامل و مشارکت افراد نقش مؤثر دارد، باید مورد تردید قرار گیرد. ضمن اینکه نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیری نشان داد احساس برخورداری از حقوق شهروندی دارای اثر خالص معنادار بر گرایش به شهروندی اجتماعی فعال نیست و این متغیر نقش مؤثر خود را بیشتر بصورت غیرمستقیم و با تأثیرگذاری بر متغیرهای اعتماد اجتماعی، احساس امنیت اقتصادی و اثربخشی اجتماعی ایفا می‌کند. این نتیجه بیانگر آن است که نظریه مارشال که چارچوب نظری این تحقیق بر مبنای آن قرار گرفته، لازم

است تحت شرایط زمانی و مکانی متفاوت و از طریق عوامل واسطه‌ای دیگر مورد تحلیل قرار گیرد. علاوه بر این، نتایج تحقیق حاضر نشان داد احساس برخورداری از حقوق شهروندی در جامعه مورد مطالعه، خود تحت تأثیر شدید نگرش به نظام سیاسی قرار دارد و افراد در صورتی که نگرش منفی و بدبینانه به نظام سیاسی داشته باشند، احساس عدم برخورداری از حقوق شهروندی می‌کنند و برعکس هرچه نگرش به نظام سیاسی خوش‌بینانه‌تر باشد، احساس برخورداری از حقوق شهروندی در سطح بالاتری قرار می‌گیرد. براساس نتایج به‌دست‌آمده در این تحقیق نگرش به نظام سیاسی با تأثیر معناداری که به‌ترتیب بر متغیرهای احساس برخورداری از حقوق شهروندی، امنیت اقتصادی و اعتماد اجتماعی می‌گذارد، نقش غیرمستقیم بالایی در تبیین گرایش به شهروندی اجتماعی فعال دارد. این یافته مؤید نظریه روستاین است که بر نقش اعتماد به نهادهای حکومتی در گسترش هنجارهای همکارانه و مشارکت‌جویانه افراد تأکید می‌کند. از نتایج دیگر قابل‌توجه در این پژوهش، وجود رابطه مثبت و معنادار بین سطح تحصیلات و میزان گرایش به شهروندی اجتماعی فعال است. همچنین برای مؤلفه‌های شهروندی اجتماعی فعال (مشارکت اجتماعی و ارزش‌های شهروندی) نیز این رابطه به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفت و همین نتیجه حاصل شد. این یافته برخلاف نتایج تحقیقات قبلی است که عامل تحصیلات را یا بی‌تأثیر یا دارای تأثیر منفی بر مشارکت اجتماعی شهروندان دانسته‌اند (غفاری و حبیب‌پور گتابی، ۱۳۹۳). شاید این تفاوت را بتوان به نقش متفاوت عامل سطح تحصیلات در جامعه مورد مطالعه این تحقیق (استان یزد) و جوامع مورد مطالعه تحقیقات دیگر (که غالباً در این زمینه تهران مورد بررسی بوده است)، نسبت داد.

با توجه به اینکه این پژوهش، در تعریف مفهومی و عملی شهروندی فعال سنت جمهوری‌خواهی را مورد اتخاذ قرار داده است، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران علاقه‌مند، از سنت‌های لیبرال و سوسیال - لیبرال شهروندی نیز (براساس دسته‌بندی دیوید میلر، ۱۹۹۰) استفاده کنند تا ابعاد این مفهوم از زوایای دیگر نیز مورد واکاوی قرار گیرد.

همچنین مروری گذرا بر ادبیات شهروندی اجتماعی فعال در کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که این موضوع، غالباً در هریک از حوزه‌های خدمات رفاهی به‌طور جداگانه و تخصصی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در این راستا پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های جداگانه‌ای از سوی سازمان‌های اجتماعی - رفاهی بخش عمومی از قبیل آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، تأمین اجتماعی، بهزیستی و شهرداری به دانشگاه‌ها سفارش داده شود تا مؤلفه‌ها، مصادیق، وضع فعلی، موانع و راهکارهای تحقق شهروندی فعال در هرکدام از این حوزه‌ها مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار گیرد.

منابع

- باجپایی، کانتی. (۱۳۸۴)، *امنیت انسانی: مفهوم و سنجش*. ترجمه: صابر شیبانی. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- بختیاری، صادق؛ دهقانی‌زاده، مجید؛ رعیتی، علیرضا. (۱۳۹۱)، «سنجش وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان یزد با بهره‌گیری از رویکردهای تصمیم‌گیری با معیارهای چندگانه و تحلیل عاملی». *فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه*. (۱۷) ۳.
- پاتریک، فیتز. (۱۳۸۱)، *نظریه رفاه: سیاست اجتماعی چیست؟*. ترجمه: هرمز همایون‌پور. انتشارات مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- پناهی، محمدحسین؛ بنی‌فاطمه، سمیه‌السادات. (۱۳۹۴)، «فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان». *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی*. ۶۸.
- توسلی، غلام‌عباس؛ نجاتی حسینی، سیدمحمود. (۱۳۸۳)، «واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران». *مجله جامعه‌شناسی ایران*. (۵) ۲.
- جلائی‌پور، حمیدرضا. (۱۳۹۲)، *جامعه‌شناسی ایران: جامعه‌کژمدرن*. تهران: نشر علم.

- چلبی، مسعود. (۱۳۹۳)، *تحلیل نظری و تطبیقی در جامعه‌شناسی*. تهران: نی.
- رایلی، دنیس. (۱۳۸۸)، *شهروندی و دولت رفاه*. ترجمه: ژیلای ابراهیمی. تهران: آگه.
- روشتاین، بو. (۱۳۹۳)، *دام‌های اجتماعی و مسئله اعتماد*. ترجمه: لادن رهبری؛ محمود شارع‌پور؛ محمد فاضلی؛ و سجاد فتاحی. تهران: آگه.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۲)، وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران. *پایان‌نامه دوره دکتری* دانشگاه علامه طباطبائی. دانشکده علوم اجتماعی.
- غفاری، غلامرضا؛ حبیب‌پور گتایی، کرم. (۱۳۹۳)، *سیاست اجتماعی: بنیان‌های مفهومی و نظری*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- غیاثوند، احمد. (۱۳۹۰)، گرایش به شهروندی سیاسی و عوامل مؤثر بر آن. *پایان‌نامه دوره دکتری* دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- فالکس، کیث. (۱۳۸۱)، *شهروندی*. ترجمه: محمدتقی دلفروز. تهران: کویر.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶)، *راه سوم، بازسازی سوسیال دموکراسی*. ترجمه: منوچهر صبوری کاشانی. تهران: شیرازه.
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ صداقتی‌فرد، مجتبی. (۱۳۹۰)، «پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران». *جامعه‌شناسی کاربردی*. (۲۲) ۳.
- موسوی، میرطاهر. (۱۳۹۱)، *درآمدی بر مشارکت اجتماعی*. تهران: جامعه‌شناسان.
- موسوی خامنه، مرضیه. (۱۳۸۳)، سرمایه اجتماعی و سلوک اجتماعی. *پایان‌نامه دکتری* دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- هزارجریبی، جعفر؛ امانیان، ابوالفضل. (۱۳۹۰)، «آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن». *مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*. (۳) ۹.
- یزدان‌پناه، لیلا. (۱۳۸۶)، «موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی». *فصلنامه رفاه اجتماعی*. (۷) ۲۶.

۱۷۱ بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به شهروندی ...

- یوسفی، علی؛ عظیمی هاشمی، مژگان. (۱۳۸۷)، «احساس شهروندی در مراکز استان‌های ایران». *مجله جامعه‌شناسی ایران*. (۹) ۳ و ۴.

- Bolzendahl, C; Coffe, H. (2009). "Citizenship beyond politics: the importance of political, civil and social rights and responsibilities among women and me". *The British Journal of Sociology*. (60) 4.
- Burton, Paul (2009). "Conceptual, theoretical and practical issues in measuring the benefits of public participation". *Evaluation*. (15) 3.
- Davy, B.; Davy U.; and Leisering, L. (2013). *The global Understanding Social Citizenship*. The Policy Press. Cambridge.
- Dwyer, P. (2000). Welfare, the social and rights; New perspectives on social citizenship. *International Journal of Social Welfare*. (22).
- Dean, Hartley (2013). *Welfare Rights and Social Policy*. Routledge. London.
- Dwyer, Peter (2010). *Rights and Responsibilities: Contesting Social Citizenship*. Bristol: Policy Press .
- Evers, Adalbert; Guillemard, Anne-Marie (2013). *Social Policy and Citizenship: The Changing Landscape*. Oxford Scholarship Online.
- Hoskins, Bryony L.; Mascherini M. (2009). "Measuring active citizenship through the development of a composite indicator". *Soc Indic Res*. 90.
- Houtzager, Peter P.; Acharya, Arnab K. (2011). "Associations, active citizenship, and the quality of democracy in Brazil and Mexico". *Theor Soc*. 40.
- Isin, Engin Fahri; Turner, Brayan (2002). *Handbook of Citizenship studie*. Sage.

- Janoski, T. (1998). *Citizenship and Civil Society*. Cambridge University Press. Cambridge.
- Janoski, Thomas; Gran, Brian (2002). “Political citizenship: foundations of rights”. in: *Handbook of Citizenship Studies*. ed by Engin F Isin and Bryan S.Turner. Sage .
- Kartal, Filiz (2001). “liberal and republican conceptualization of citizenship: a theoretical inquiry”. *Turkish Public Administration Annual*. (27-28).
- Keman, Hans (1999). *Citizenship and Welfare State Reform in Europe*. Routledge. London.
- Lister, Michael (2005). “‘Marshall-ing’ social and political citizenship: towards a unified conception of citizenship”. *Government and Opposition*. (40) 4.
- Marshall, T. H. (1950). *Citizenship and Social Class*. Cambridge University Press. Cambridge .
- Mead, L.(1986). *Beyand Entitlement: The Social Obligations of Citizenship*. The Free press. New York .
- Miller, David (1990). *Citizenship and National Identity*. Polity Press. Cambridge.
- Pateman, C. (1989). *The Disorder of Women Democracy, Feminism and Political Theory*. Polity Press. Cambridge .
- Pędziwaitr, Konrad (2007). “Religion and active social citizenship amongst professional muslim Londoners”. *Journal on Moving Communities*. (7) 1.
- Powell, Martin (2009). “A Welfare State without citizens”. *Formez - Giannini Researc*. (X) .

- Rose, Lawrence (2005). “Citizen (re) orientations in the welfare state”. in: *Citizenship and Welfare State Reform in Europe*. Jet Bussemaker (ed) Routledge. London and New York .
- Swartz ،Teresa T.; Blackstone, Amy; Uggem, Christopher; & McLaughlin, Heather (2009). “Welfare and citizenship: the effects of government assistance on young adults civic participation”. *The Sociological Quarterly*. (50).
- Taylor-Gooby, Peter (2009). *Reframing Social Citizenship*. Oxford University Press. New York .
- Turner, B; Hamilton, P. (1994). *Citizenship: Critical Concept*. Routledge. London.
- Turner, Bryan S. (2001). “The erosion of citizenship”. *British Journal of Sociology*. (52).